



سازندگان جھکسان ایرانی-اسلامی



♦♦♦♦ اریک اور مزبی ♦♦♦♦

غزالی

مجدد اسلام

احسان مصحفی



یادداشت دبیر مجموعه

هدف مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی آشنا ساختن افراد غیر متخصص و علاقه مند به پژوهش های مستند و دقیق درباره تاریخ و تمدن ایران و اسلام است.

مجموعه حاضر در اصل برگرفته از مجموعه سازندگان جهان اسلام به سرپرستی استاد فقید خانم پاتریشیا کرون است. بعد از درگذشت ایشان خانم زابینه اشمیتکه و خالد الرهیب سرپرستی مجموعه را برعهده گرفتند. ما شخصیت های مرتبط با فرهنگ ایرانی را انتخاب کردیم و دست به کار ترجمه شدیم. ممکن است اثری در این مجموعه به فردی غیرایرانی اختصاص داده شده باشد، ولی آن فرد به دلایل مختلف و در وجوه گوناگون در تاریخ و فرهنگ ایرانی مؤثر بوده است. لذا بی هیچ جانبداری و تعصب و تنها با تأکید بر عوامل تاریخی و نیز صحت در روش تحقیق مجموعه آثار منتشر شده را انتخاب کرده ایم. درست است که این مجموعه به دست متخصص و صاحب نظر در هر موضوع فراهم آمده است ولی - همان طور که ملاحظه خواهید کرد - علاوه بر پژوهشگران، علاقه مندان و غیرمتخصصان هم از آن بهره مند می شوند. روش درست و کاویدن منابع و اسناد از جمله ویژگی های کتاب های مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی است. بر خوانندگان هشیار پوشیده نیست که با شناخت و درک درست از گذشته و با آگاهی و تأمل در روزگار امروزی توان افق های درخشانی را پیش روی ترسیم کرد. امید است مجموعه حاضر

هم اطلاعات و دانش خوانندگان علاقه‌مند را بیفزاید و هم دانشجویان را درسی در روش تحقیق باشد، و همچنین صاحب نظران را با آثار جدید پژوهشگران غیرایرانی هرچه بیشتر آشنا سازد.

مرتضی هاشمی پور

فهرست

۱۱	پیشگفتار.....
۱۳	نام‌ها و اصطلاح‌ها.....
۱۵	سال‌شمار.....
۱۷	مقدمه.....
۱۹	سلجوقیان.....
۲۳	مذهب‌های فقهی.....
۲۳	شافعی و مذهب او.....
۲۵	مذهب حنبلی.....
۲۶	مذهب حنفی.....
۲۷	مذهب مالکی.....
۲۷	مذهب کلامی اسلامی اشعریه.....
۲۸	مفهوم کلام.....
۲۹	عنصر معتزله.....
۳۰	اشعری و سه برادر.....
۳۲	فلسفه.....
۳۳	اسماعیلیان.....
۳۴	تصوف.....

بخش نخست: بالا گرفتن آوازه

فرزندى از خراسان ۳۷
 سیر زندگی غزالی ۴۲
 تحصیلات اولیه: استادان صوفی و متکلمان ۴۴
 جوینی ۴۶
 حمایت صاحبان قدرت ۴۹
 غزالی در دربار ۵۰
 وسوسه شهرت ۵۳

بخش دوم: دل بستگی به فقه

سهم غزالی در فقه ۵۶
 نمونه‌ای از «قیاس» ۵۸
 سستی علما ۶۰
 شافعی: سرمشقی محبوب ۶۲
 وفاداری به فقه ۶۳

بخش سوم: علمی دولبه: غزالی و کلام

کلام علیه فلسفه ۶۹
 بر ضد «مذهب جاهلان» ۷۰
 غزالی؛ یک متکلم ۷۱
 کلام علیه فلسفه در اسلام ۷۲
 الاقتصاد فی الاعتقاد؛ راهنمای عقیدتی ۷۵
 سبک استدلال غزالی در «میان‌روی منصفانه» ۷۷
 سایه ابن سینا ۸۰
 لحن بیان غزالی ۸۱
 دیدگاه غزالی در باب اسماء الله ۸۲
 تناقض در باب اسم‌ها ۸۳
 عجز از درک به مثابه ادراک ۸۵
 راهنمایی برای تأمل ۸۷
 رویکرد غزالی به «کلام» ۸۹

بخش چهارم: زهر فلسفه و پادزهر آن

آیا غزالی فلسفه را در اسلام ویران کرد؟ ۹۱
 جذابیت نظام مندی ۹۴
 نمایاندن فلسفه: مقاصد الفلاسفه ۹۴
 علم نظری و عملی ۹۷
 مفهوم وجود ۹۸
 وجود واجب و ممکن ۹۹
 آغاز حمله: تهاافت الفلاسفه ۱۰۲
 فیلسوفان به مثابه مقلدان محض ۱۰۳
 عقیده کفرآمیز ۱۰۵
 علیت در برابر سنت ۱۰۶
 انکار علیت ۱۰۹
 استدلال نقض و طرح یک کاریکاتور ۱۱۲
 راه حلی شکاکانه ۱۱۵

بخش پنجم: بحران و بازیابی قوا

انقلاب درونی سال ۴۸۸ق/۱۰۹۵م ۱۱۹
 بیماری و سلامتی ۱۲۳
 المنقذ من الضلال (رهایی یافته از گمراهی) ۱۲۵
 دو طنین از یک حکایت ۱۲۶
 شکاکیت و غزالی: بحران نخست او ۱۲۸
 اهمیت رؤیا ۱۳۱
 چهار طریق ۱۳۴
 غزالی و «باطنیه» ۱۳۴
 ذوق ناگفتنی حقیقت ۱۴۰
 قطع تعلق کامل و خروج از بغداد ۱۴۳
 بغداد؛ «آشیان ظالمان» ۱۴۵
 نقش احمد غزالی ۱۴۷

بخش ششم: احیای اسلام

ویژگی کتاب احیاء علوم ۱۴۹
 تغییر در جاه طلبی غزالی ۱۵۱
 طراحی احیاء علوم ۱۵۲
 احیاء علوم به مثابه «نمایشنامه» ۱۵۴
 محتوای احیاء علوم ۱۵۶
 تصوف غزالی ۱۵۹
 رمزگشایی جهان ۱۶۱
 بینایی در مقابل بینش ۱۶۲
 آفرینش به مثابه متن ۱۶۴
 دشمنی نفس ۱۶۶
 دل آدمی ۱۶۸
 ابن الوقت ۱۷۱
 توکل (اطمینان به خدا) ۱۷۳
 عدل الهی در نظر غزالی ۱۷۵
 محبت خدا ۱۷۷

نتیجه: علم در عمل

بازگشت به تدریس ۱۸۶
 مرگ و حیات او پس از مرگ ۱۸۸
 کتابنامه ۱۹۱
 نمایه ۱۹۷

پیشگفتار

هدف من در این کتاب بیان نکات اصلی زندگی و اندیشه این نابغه مذهبی است که فراتر از حوزه متخصصان چندان شناخته شده نیست. وسعت، ظرافت و نفوذ آثار غزالی، می‌سزد تا او را در شمار شخصیت‌های بزرگ تاریخ اندیشه، در کنار بزرگانی همچون آگوستین و موسی بن میمون، پاسکال و کی‌یرکگارد جای داد. این کتاب برای خوانندگانی تنظیم شده است که شناخت پیشینی از غزالی یا حتی تاریخ اندیشه اسلامی ندارند. این بدان معناست که من مکلف بودم بسیاری از نکته‌های دشوار آن را خلاصه و ساده‌سازی کنم، هرچند امیدوارم در ساده‌سازی آنها چندان افراط نکرده باشم.

من به آثار غزالی با عناوین اصلی آنها به زبان عربی ارجاع داده‌ام؛ این نام‌ها در صفحه اختصارات فهرست شده‌اند. در ارجاع به شاهکار غزالی، احیاء علوم‌الدین، گاهی از عنوان ترجمه شده آن به زبان انگلیسی استفاده کرده و گاهی فقط به ذکر احیاء بسنده کرده‌ام. کوشیده‌ام تا در حد امکان به ترجمه‌های انگلیسی موجود (که گاهی آنها را اصلاح کرده‌ام) ارجاع دهم؛ ترجمه‌هایی که تخصیصی ندارند از خود من هستند. از آنجا که بسیاری از اصطلاحات و نام‌های عربی به‌کاررفته برای خوانندگان غیر متخصص نا آشنا هستند، شرح مختصری از شخصیت‌های سیاسی و مکاتب فکری را در بخش مقدمه آورده‌ام.

در اینجا می‌خواهم از پروفیسور پاتریشیا کرون^۱ به خاطر دعوت از من برای سهم

شدن در این جلد از این مجموعه قدردانی کنم. یکی از خوانندگان ناشناس انتشارات وان ورلد^۱ چندین نقد مطرح ساخت که من از آنها بهره گرفتم، به این جهت از او نیز تشکر می‌کنم. سرانجام از مایک هرپلی^۲ از انتشارات وان ورلد که ویراستاری شکیبیا و یاری‌رسان بود، سپاس گزارم.

نام‌ها و اصطلاح‌ها

آل بویه: سلسله حکومتی شیعه مذهب که از ۳۲۰-۴۵۴ق/۹۳۲م تا ۱۰۶۲م قدرت را در دست داشتند و توسط سلجوقیان برافتادند.

اسماعیلیه: مذهبی شیعی که پس از سال ۱۴۵ق/۷۶۲م از جریان اصلی شیعه انشعاب یافت و تنها هفت امام را تصدیق کرد، از این رو به هفت امامی مشهور شدند.

اشعریه: مذهب کلامی اهل سنت که اشعری (درگذشت: ۳۲۴ق/۹۳۶م) بنا نهاد.

اصول فقه: حقوق نظری، «بنیان‌های فقه».

امام: پیشنهاد؛ در اعتقادات اهل تشیع راهنمای جامعه است که از سوی خداوند تعیین شده و مصون از خطا و گناه است.

تقلید: باور مبتنی بر حجیت در مقابل استدلال مستقل.

حدیث: گفتار و کردار روایت شده از حضرت محمد ﷺ.

حنبلیه: مذهب فقهی اهل سنت که مبتنی بر آموزه‌های احمد بن حنبل است.

حنفیه: مذهب فقهی اهل سنت که مبتنی بر آموزه‌های ابوحنیفه است.

ذوق: «چشیدن»، اصطلاحی فنی در حوزه تصوف برای تجربه‌های عرفانی بدون واسطه.

سلجوقیان: سلسله ترک و اهل سنت که از ۴۲۹-۵۹۰ق/۱۰۳۸ تا ۱۱۹۴م بر سر قدرت بودند.

سنت: رفتار تجویز شده و هنجاری که از الگوی پیامبر سرمشق گرفته شده است.

شافعیه: مذهب فقهی اهل سنت که مبتنی بر آموزه‌های شافعی است.

فاطمیان: سلسله شیعه مذهب که از ۲۹۶-۵۶۶ ق/ ۹۰۹ تا ۱۱۷۱ م قدرت را در مصر و آفریقای شمالی در دست داشتند.

فقه: حقوق اسلامی

فلسفه: فلسفه ارسطویی اسلامی (از ریشه واژه یونانی «فیلوسوفیا»)

کلام: الهیات اسلامی که بیشتر به مباحثه و مناظره می‌پردازد.

مالکیه: مذهب فقهی اهل سنت که مبتنی بر آموزه‌های مالک بن انس است.

مدرسه: نهاد آموزشی، «دانشگاه»، برای مثال مدرسه نظامیه.

مذهب: «مکتب» فقهی یا کلامی همچون مذهب حنبلی.

معتزلیه: مذهبی کلامی که مشخصه بارز آن عقل‌گرایی است.

سال شمار

۴۵۰ ق/ ۱۰۵۸ م: تولد در دهکده‌ای نزدیک توس در شمال شرق ایران.

۴۶۵-۴۶۶ ق/ ۱۰۷۲-۱۰۷۳ م: تحصیل در توس نزد امام راذکانی و در جرجان نزد امام

ابونصر اسماعیلی.

۴۷۰-۴۷۱ ق/ ۱۰۷۷-۱۰۷۸ م: بازگشت به توس و ادامه مطالعه برای سه سال دیگر.

سفر به نیشابور برای تحصیلات عالی نزد فقیه و متکلم جوینی، و استاد صوفی

فرمذی.

۴۷۸-۴۷۹ ق/ ۱۰۸۵-۱۰۸۶ م: مرگ جوینی. جلب حمایت نظام‌الملک وزیر و

پیوستن به لشکرگاه ملک‌شاه سلجوقی، به عنوان فقیه و متکلم حرفه‌ای.

جمادی‌الاول ۴۸۴/ جولای ۱۰۹۱ م: استاد منصوب نظام‌الملک در مدرسه نظامیه بغداد.

۴۸۴-۴۸۸ ق/ ۱۰۹۱-۱۰۹۵ م: دوره آوازه حرفه‌ای در بغداد؛ شرکت در مراسم

سلطنتی خلیفه عباسی، مستظهر در ۴۸۷ ق/ ۱۰۹۴ م ترور نظام‌الملک در ۴ رمضان

۴۸۵/ ۱۴ اکتبر ۱۰۹۲؛ مرگ سلطان ملک‌شاه یک ماه بعد.

جمادی‌الثانی تا شوال ۴۸۸/ جولای تا نوامبر ۱۰۹۵: دوره بحران روحی که به کناره‌گیری

از مقام و ترک بغداد انجامید.

۴۸۸-۴۹۰ ق/ ۱۰۹۵-۱۰۹۷ م: دوره عزلت؛ نخست در دمشق برای دو سال و سپس

سفر به بیت‌المقدس و الخلیل؛ سفر حج؛ بازگشت به دمشق؛ در طول ۱۱ سال از

۴۸۸-۴۹۹ ق/ ۱۰۹۵-۱۱۰۶ م آثار مهمی در تصوف نگاشت که به خاطر آنها شهرت

او پابرجا ماند، به ویژه احیاء علوم‌الدین و به دنبال آن چندین نسخه از آن به

زبان‌های عربی و فارسی.

۴۹۰ ق/۱۰۹۷ م: بازگشت به عراق، اقامت کوتاهی در بغداد و همدان.
 ۴۹۲-۴۹۹ ق/۱۰۹۹-۱۱۰۶ م: ارشاد و تدریس حلقه‌ای از شاگردان در توس.
 ذیقعدہ ۴۹۹ ق/ آگوست ۱۱۰۶: بازگشت به تدریس در نظامیه نیشابور در پی اصرار
 فخرالملک وزیر. تألیف زندگی‌نامه معنوی خود با عنوان المنقذ من الضلال.
 ۵۰۲-۵۰۳ ق/ ۱۱۰۹-۱۱۱۰ م: کناره‌گیری از تدریس عمومی و بازگشت به توس و
 فعالیت به عنوان مرشد معنوی طالبان صوفی.
 ۱۴ جمادی الثانی ۵۰۵/ ۱۸ اکتبر ۱۱۱۱: جان سپردن و به خاک سپرده شدن در توس.

مقدمه

در رجب ۴۸۸ ق/ جولای ۱۰۹۵ م فقیه و متکلم پرآوازه ابوحامد غزالی یک بحران روحی ناگهانی را تجربه کرد. توان خور و خواب را از دست داد؛ حتی جرعه‌ای آب برای او بسیار می‌نمود. با افزایش وخامت این بحران، او قدرت خطابه خویش را نیز از کف داد. غزالی فقط ۳۷ سال سن داشت، با این حال برای یک دهه به عنوان خطیبی محبوب در نظر نظامی نوپا که در پی تثبیت صورت نوینی از راست‌دینی بود، در مدرسه‌ای تازه تأسیس تدریس کرده بود. او بارها در دربار خلیفه عباسی و نیز سلطان سلجوقی به ایفای نقش پرداخته بود. بارها زبان‌آوری او به عنوان یک خطیب و نویسنده مورد تحسین قرار گرفته بود؛ حال، به یکباره قدرت کلام خود را از دست داده و به ناچار تدریس خود را متوقف ساخته بود. تشخیص طبیبانی که بر بستر او حاضر شدند همسان نبود، با این حال آشکار شد که تشخیص همگی ایشان نادرست بوده است. این حالت وی شش ماه به درازا کشید. هرچند بیشترین آگاهی ما از این آزمون دشوار، از طریق گزارش‌های خود اوست، دیگران نیز به تغییر حال وی اشاره کرده‌اند. یکی از طالبان علم که او را می‌شناخت بعدها نوشت: «دیدم که این مرد از جنون خلاصی یافته بود». او ده سال بعد هنگامی که به شرح این حال خود پرداخت اشاره می‌کند، علت این بحران که در جوانی او را آزرده ساخته بود، شک نبود بلکه چیزی ویرانگرتر بود: او به کشف حقیقت نائل آمده بود، اما نمی‌توانست مطابق آن عمل کند. حقیقت غزالی را به شدت زمین‌گیر ساخته بود.

این «حقیقت» چه بود؟ غزالی چگونه به آن رسید؟ این مهم را می‌توان در این

عبارت خلاصه کرد: «طریق تصوف»؛ با این حال چنین عبارتی آگاهی اندکی به ما می دهد. از نظر غزالی چنین حقیقتی را نمی توان از طریق روش های عقلانی، حتی اگر به دقت به کار گرفته شوند، به دست آورد، و نه می توان آن را در میان کتاب ها یافت. چنین حقیقتی - یا آنچه آن را بیان داشته «یقین» - نهایی می بایست به «ذوق» درآید تا شناخته شود. سخن بر سر یک حقیقت عقلانی نیست؛ به بیانی دیگر این امر به عنوان حقیقتی تجربه شده به طور کامل با واژه ها قابل بیان نیست، بلکه فقط از طریق عمل است که می توان آن را بیان کرد، البته منظور او عمل آگاهانه است.

در ادامه نشان خواهیم داد که غزالی از چه راهی به این نتیجه رسید. او در اواخر حیات خویش معنای مورد نظر خود را از حقیقت نهایی نه فقط با توسل به مفهوم عرفانی «ذوق» - در بخش پنجم شرح داده خواهد شد - بلکه با استفاده از قاعده علم و عمل خلاصه می کند. علم بدون عمل برای او پوچ بود؛ به همین ترتیب عمل بدون علم. هر دو باید حضور داشته باشند تا حقیقت آشکار شود. او در یکی از آثار عرفانی متأخر خود تا آنجا پیش رفت که به یکی از شاگردانش اندرز داد «علم بی عمل دیوانگیست و عمل بی علم بیگانگی» (مکاتیب^۱، ۱۶).

از آنجا که غزالی قریحه ای ویژه برای بیان مفهوم های پیچیده در عبارت هایی ساده و واضح داشت - و از آنجا که او اغلب این عبارت ها را با لحنی، به صورت غیر منتظره، شخصی به کار می برد - نوشته های او بی واسطگی فریبنده ای داشت. او به طرز غریبی «مدرن» به نظر می آید. این امر ممکن است توجیه گر آوازه ماندگار او، نه فقط در میان مسلمانان، باشد. چنین به نظر می رسد که او با خواننده خود مستقیماً سخن می گوید.

میان ما و غزالی و نیز روزگار او هزاره ای فاصله انداخته است. برای ورود به آن روزگار حتی با نگاهی گذرا، لازم است تا حدی با بستر تاریخی و فکری ای که در آن پرورش یافت آشنا شویم. کار او از برخی جهات غیر معمول بود. حتی گاه به بهای دادن هزینه هایی نیز در میان معاصرانش ایستادگی می کرد. برای درک بهتر اصالت متمایز و نیز سهم ماندگار او، می بایست به اختصار جنبه های خاصی از این هزاره، همراه با مذهب ها و عقیده های رایجی را که او با آنها درگیر بود، شرح دهیم.

زندگی غزالی را می توان به دو بخش پیش و پس از بحران رجب ۴۸۸ق / جولای

۱. مکاتیب فارسی غزالی، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۳۳ش، ص ۹۵.

۱۰۹۵م تقسیم کرد. بدون تردید او از این مهم آگاه بود. در شوال/ نوامبر این سال، آنگاه که سرانجام غزالی تصمیم به پیروی از طریق تصوف گرفت، انسانی دیگرگون شد. با این همه یک استمرار درونی، انسجامی پنهان، در طول زندگانی او وجود داشت. مراحل فکری نخستین، همچون برخی از کتاب های متقدم او، در آثار و اعمال بعدی اش انعکاس و ماهرانه تغییر شکل یافته اند. دامنه ای از امور ثابت متفاوت و بیرونی، از رویدادهای سیاسی گرفته تا منازعات کلامی و فقهی و حتی پیشرفت های وی در تصوف، بر زندگی و اندیشه او تأثیر داشتند؛ هرچند عامل سوم چندان عیان نبود، اما به همان اندازه از اهمیت برخوردار بود. آرزوها و برنامه های سروران سلجوقی او، به ویژه طرح های نظام الملک پشتیان نیرومند وی، بر او تأثیر ژرفی گذاشت و گرایش های «مذهب های» فقهی متعدد، نقش مهمی در زندگی او ایفا کرد. غزالی یک شافعی (در بخش دوم شرح داده خواهد شد) بود، اما بارها با حنفیان و حنبلیان و نیز نمایندگان عقاید رایج ارتباط برقرار کرد که اغلب آشکارا به مناقشه می انجامید. او در علم کلام (در بخش سوم شرح داده خواهد شد) از اشعریه دفاع می کرد و اغلب با لحنی ستیزه جویانه با معتزلیان، اسماعیلیان و دیگران برخورد می کرد؛ و آنچه آن که در بخش چهارم نشان خواهیم داد، پیروان فلسفه با مخالفت او روبه رو شدند. برای غزالی ملغمه نیرومندی از آموزه های ارسطویی با اندیشه نوافلاطونی - که ابن سینا مهیب ترین نماینده آن بود - یک چالش و در عین حال یک فرصت بود. عواملی از این دست به شکل گیری جایگاه کمال یافته و صورت متمایز تصوف او (که در بخش ۵ و ۶ شرح داده خواهد شد) یاری رساندند.

بررسی زندگی و اندیشه غزالی، همچون دیگر اندیشمندان مسلمان این دوره، مستلزم برخورد با انبوهی از نام ها و اصطلاح های نا آشنا و اغلب گیج کننده است؛ آنچه آن که در میان عبارات پیشین پراکنده بودند. در اینجا آن دسته از این عبارت ها را که بیش از همه با زندگی و اندیشه غزالی در ارتباطند، به اختصار شرح خواهیم داد. امیدوارم که این روش، پیگیری مباحث جزئی تر بخش های بعدی را برای خوانندگان نه چندان متخصص آسان تر سازد.

سلجوقیان

دوره زندگی غزالی با ظهور و تثبیت سلسله سلجوقی همزمان بود، از این رو شناخت این